

انقلاب اسلامی و مهدویت

پنجشنبه، ۱۷ بهمن ۱۳۹۸

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین بعدد ما أحاط به علمه، الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی

بحث را در ایام دهه فجر پخش می‌شود و بیننده‌ها پای تلویزیون... مسأله انقلاب ما، موضوع این است که انقلاب ما یک چیزهایی را در مورد انقلاب اصلی که انقلاب امام زمان است، حل کرد. گمشده انسان در زمان ما چند چیز است، ۱ - یک رهبری می‌خواهیم که خاطر ما صد در صد جمع باشد، کره زمین را بتواند اداره کند، رهبری که بتواند کره زمین را اداره کند، ذخیره خدا، حضرت مهدی علیه السلام است، قانونی می‌خواهیم که بر اساس هوس‌ها و خیال‌ها نباشد. صد در صد قانون حق باشد. یکوقتی چون من حدود سی سال معاون وزیر بودم در آموزش و پرورش، چون مجلس اول انقلاب تصویب کرد که رئیس نهضت سوادآموزی باید معاون وزیر باشد. هفت هشت ده تا وزیر آمدند و رفتند و من همینطور رئیس نهضت بودم. یک روز سر جلسه معاونین وزیر گفت: فلان نماینده، البته نمی‌خواهم بگویم نماینده‌ها اینطور هستند. در نماینده‌ها آدم اینطور پیدا می‌شود که می‌گفت: اگر زن مرا منتقل کردی به شهری که می‌گویم وزیر هستی و گر نه استیضاحت می‌کنم. این به درد وکالت نمی‌خورد. این بخاطر انتقال خانمش وزیر را استیضاح کند، به وزیر گفتم اگر چنین کاری کرد شما به من نماینده را معرفی کن، من جمعه استان می‌روم، در شهرستان، در خطبه‌های نماز جمعه می‌گویم: مردم به کسی رأی دادی که بخاطر انتقال خانمش حاضر است دنیا را به آتش بکشد. اینها نمی‌توانند قانون وضع کنند. فرد نگری، شخص نگری و جزئی نگری، قانونی می‌خواهیم صد در صد بیمه باشد و آن قانون هست.

۱ - قرآن، قانون جهانی؛ امام زمان علیه السلام، رهبر جهانی:

این قرآن ما یک نقطه و واو کم و زیاد نشده است. کتاب دست نخورده و تحریف نشده، پس رهبر می‌خواهیم امام زمان علیه السلام ذخیره شده و قانون هم هست. یک آمادگی می‌خواهیم، آمادگی یک خرده در دسر است و درونش ماندیم، چطور آماده کنیم؟ آیا درسهایی که می‌خوانیم بستری است برای ظهور، حرکات ما، تصمیمات ما، یک شبهاتی است که باید انقلاب ما، دهه فجر، این را حل کند. سؤالهای ما را جواب بدهد. اول اینکه اگر رهبر جهانی و قانون جهانی می‌خواهیم، طرح جامع می‌خواهیم، مردم صالح می‌خواهیم. «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/ ۱۰۵) وارث زمین عبادی الصالحین هستند. معلوم است در تشهد هم

که سلام می‌کنیم، می‌گوییم: «السلام علينا و على عباد الله الصالحين»، «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» صالحین و صالحون، پس سلام بر عباد الله الصالحین یعنی سلام بر یاران حضرت مهدی در هر نوازی به یاران امام زمان سلام می‌کنیم، یعنی یادمان نرود روزی پنج مرتبه که عباد الله الصالحین چه کسانی هستند.

سند این حرف چیست؟ سند هم دارد، «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ» (انبیاء/ ۱۰۵) نه در قرآن، در زبور هم آمده است. خدا وعده داده است که بندگان صالح حکومت را بدست بگیرند. پس سند کتبی، «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ»، قول «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا» (نور/ ۵۵) این قول وفا می‌شود؟ بله، «وَلَنْ يَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ» (حج/ ۴۷) ما چون عاجز هستیم به قولمان عمل نمی‌کنیم، خدا که قول داد عمل می‌کند. حالا چطور؟ این چطور را بتوانیم در چند دقیقه بگوییم. آیا دانشمندان دنیا با امام زمان بیعت خواهند کرد؟ چطوری؟ اینطوری. دهه فجر نمونه است.

۲ - بیعت متخصصان جهان با امام زمان علیه السلام:

سرلشگر بابایی آمریکا رفت. بالاترین درجه تخصص پرواز را گرفت، آمد دست امام را بوسید و هنر خلبانی اش را در اختیار انقلاب گذاشت. روایت داریم زمانی که امام زمان علیه السلام ظهور کند متخصصین درجه یک کره زمین می‌آیند با امام بیعت می‌کنند. رجایی یک معلم بود در زمان طاغوت، آمد با امام بیعت کرد و توانش را در اختیار امام گذاشت. بیگانه‌ها چه؟ قرآن یک نمونه دارد، می‌گوید: بیگانه‌ها هم می‌آیند کمک یاران خدا می‌کنند. «وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بَنَاءٍ وَ عَوَاصِي» (ص/ ۳۷) حضرت سلیمان حکومت داشت، جنی‌ها کمکش می‌کردند. «وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ» (انبیاء/ ۸۲) غواصی برایش می‌کردند. مگر در انقلاب دهه فجر امام خمینی فرانسه نرفت و مگر خبرنگاران بی دین و بادین و یهودی و مسیحی جمع شدند و حرف های امام را در دنیا پخش کردند. می‌شود مرد خدا پیدا شود و دیگران حتی غیر مسلمان‌ها بیایند بازویش شوند و هرچه ایشان گفت حرف هایش را پخش کنند. انقلاب ما چیزهایی که آدم می‌گوید: چطوری؟ می‌گوید: اینطور. اینطوری... می‌شود مرد خدا حاکم شود؟ بله، چطور؟ امام خمینی. می‌شود متخصصین در اختیار امام باشند، بله، چطور؟ بابایی، رجایی، روایاتی داریم که متخصصین...

امروز در این جلسه هی می‌خواهم بگویم؟ چطوری... اینطوری.. مشت نمونه خروار است. این چطوری، اینطوری خیلی در قرآن است. من کلمه «کما» را دیدم، چقدر کما در قرآن است. «كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» (اعراف/ ۲۹) چطور خلقت کرد؟ بعد از مرگ هم زنده‌تان می‌کند. وقتی ما مردیم، شما را خاک کردند، استخوان‌های شما پوسید و باد آمد با تراکتور ذرات پخش شده پوسیده ما را پخش کرد، چطور ذرات پخش

شده جمع می‌شود؟ چطوری؟ اینطوری، شما مشک دوغ را می‌زنی، چربی‌ها که پخش شود یکجا جمع می‌شود. یعنی با تحرکی که به دوغ می‌دهی ذرات چربی پخش شده یکجا جمع می‌شود. شما مشک را می‌زنی خدا می‌گوید: من کره زمین را می‌زنم. «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» کره زمین را تکان می‌دهم، استخوان‌های پوسیده هرجا هست، یکجا جمع می‌شود، چطوری؟ اینطوری. الآن ما که اینجا نشستیم، خودمان از ذرات خاک پخش شده هستیم. ما از یک تک سلول آفریده شدیم. این تک سلول چیست؟ کاهو اهواز، گندم شیراز، سیب زمینی مراغه، زعفران مشهد، چغندر قند فردوس، ذرات خاک پخش شده غذایش شدند و این غذا نطفه شد و ما شدیم. ما الآن هم از ذرات خاک پخش شده هستیم. ما را برگردانند به نطفه می‌رسیم و نطفه هم به غذاهایی می‌رسد که از ذرات خاک پخش شده هستیم. چطور؟ اینطوری، یعنی می‌توانید شما این حرف که می‌زنم شبیه‌اش را برای دختر بچه‌ها بزنید و جلسه را از حالا ... نه کار به دولت و نه کار به ملت داشته باشید. خودتان هم آدم هستید،

۳ - تبلیغ دین، در هر زمان و مکان به میزان ممکن:

من معتقد هستم طلبه از ساعت اولی که می‌آید باید تبلیغ کند. من هیچی نخواندم، نخوان. اصلاً لازم نیست سواد داشته باشی، یک کلمه که یاد گرفتی همین یک کلمه را بگو. تبلیغ لحظه‌ای، دو رقم تبلیغ در قرآن است. یکی می‌گوید: ملا شو و بعد منبر برو. «لِيَتَفَقَّهُوْا» فقیه شوید، «وَلِيُنذِرُوا» (توبه/ ۱۲۲) دیگران را انذار کنید. بروید حوزه‌ها درس بخوانید و دانشمند شدید سخنرانی کنید. این یک سخنرانی، یک سخنرانی هم نه، همین حدیث که گفتمی همین را نقل کن، آیه‌اش چیست؟ این است «اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ» (جن/ ۲) گروهی از جنی‌ها عبور می‌کردند، صدای قرآن شنیدند، گفتند: «فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا، يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ» ترجمه‌اش را بلد هستید؟ قرآن کتاب عجیبی است به سمت رشد، ارشاد می‌کند. گفتند: «فَأَمَّنَّا» ایمان آوردیم. چه ساعتی؟ فرض کنید ساعت هشت، ساعت هشت ایمان آوردند و هت و یک دقیقه تبلیغ را شروع کردند و یک دقیقه طلبه بودند. «يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ» (احقاف/ ۳۱) بیایید شما هم ایمان بیاورید. هشت و یک دقیقه ایمان آورد و هشت و دو دقیقه تبلیغ را شروع کرد. اینقدر لفت نباید بدهیم. منتهی چه بگویم، از روی متن. سه کتاب را همه طلبه‌ها داشته باشند، به خواهر و برادرش، جلسات پنج دقیقه‌ای، بیشتر از پنج دقیقه نشود. یک داستان از داستان راستان بگویید. داستان است منتهی یک اسلام شناسی مثل شهید مطهری انتخاب کرده است. و الا داستان چرت و پرت خیالی درونش است. داستان‌های خیالی و لذا مطهری اسمش را داستان راستان گذاشت، یعنی داستان واقعیت دارد و خیالی و وهمی و احساساتی نیست.

یک کتابی است احکام نوجوانان برای آقای فلاح زاده، پنجاه شصت مسأله‌ای که بچه‌ها نیاز دارند در یک کتاب جیبی است، یک مسأله از آن، یک داستان از آن سوره حجرات یک مسأله اخلاقی است، سه صفحه از قرآن است. سوره حجرات جیبی، یک آیه را بخوان و معنا کن. تبلیغ را باید.. شما الآن برگ زرد هستید. الآن که بعضی از شما درخت هم شدید. فرض کنید روز اول است. اگر حتی روز اول تحصیل شما باشد، روز اول ضعیف هستید ولی همین برگ زرد نمی‌تواند کشتی شود؟ چرا. این برگ زرد در آب می‌افتد و پنجاه کشتی سوارش می‌شوند. پس یک کشتی داریم کشتی‌های غول پیکر و یک کشتی داریم برگ زرد، یعنی انسان در هر مرحله‌ای می‌تواند تبلیغ کند. بحث ما عنوانش این است چطوری؟ اینطوری... می‌شود دنیا کمک کند؟ بله، همینطور که خبرنگارها کمک کردند. می‌شود عبد صالح حاکم شود؟ بله همانطور که امام خمینی شد. می‌شود مردم از طاغوت نترسند؟ بله. چطوری؟ اینطوری... تانک و توپ و مسلسل دیگر اثر ندارد. می‌شود مردم یکدست شوند؟ بله اول انقلاب مردم یکدست بودند. هنوز هم خیلی‌ها یکدست هستند. دیگر چه؟

باید آسان شود، «کَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» چطور زنده می‌شویم؟ همانطور که اول درست کرد، اگر کسی یک دکمه اینجا دوخت، به خیاط نمی‌گوید آقای خیاط ببخشید، دکمه دوم را چطوری؟ می‌گوید: اینطوری من بغلش دوختم. این دکمه را دوخت بغلش هم دکمه می‌زند. مردم به سمت حق می‌آیند؟ بله، چطور؟ دهه فجر، مگر کشور ما جاویدشاه نمی‌گفت؟ همه کشور به جای جاویدشاه گفتند: مرگ بر شاه! یک عده ریزش می‌کنند، چطوری؟ ریزش می‌کنند. امام زمان علیه السلام که می‌آید افرادی سقوط می‌کنند و افرادی هم مطرح می‌شوند، قرآن می‌گوید: «مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ» (مائده/ ۵۴) اگر کسی مرتد شد و ریزش کرد، «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ» در عوض یک عده رویش می‌کنند.

آدم داریم پنج شش تا بچه دارد، اسم یکی از بچه‌هایش را مذهبی نمی‌گذارد. فاطمه، یک زن استثنایی و نمونه، زهرا درخشنده، معصومه، محفوظ و پاک، اسم چیه؟ لیلیا... لیلیا چیه؟ یک تیغی است در بلغارستان، آدم در سر این مخ بزند که بابا در ایران این همه گل بود، اگر دین هم نداری ایرانی که هستی، یکی از گل‌های ایران را بگذار. اسم تیغ بلغارستان می‌گذارد، روشنفکر احمد! هم می‌خواهد نو شود و هم مخش نمی‌کشد. تیغی است در بلغارستان، بعضی مریض هستند، امام کاظم فرمود: اینهایی که در خیابان راه می‌روند و دست به کار ناهنجار می‌زنند، یک کمبودی دارند و می‌خواهند خودشان را مطرح کنند، چه کند؟ صدای موبایلش را صدای گاو می‌گذارد. فقط می‌خواهد وقتی موبایلش صدا می‌کند همه بگویند: موبایل فلانی است. در عروسی، ساختمان، هرکس هرکاری بکند که دل مردم را به خودش جذب کند. این ممنوع است، چرا؟ برای

اینکه گفتند: لباس شهرت حرام است. وقتی می‌گوید: لباس شهرت یعنی باید ریشم را طوری بردارم که همه بگویند... ریش طبیعی نیست. عمامه طبیعی نیست. فکل طبیعی نیست. عبا طبیعی نیست. عطسه می‌کند، آمین می‌گوید، همه مردم می‌گویند: آمین، این می‌گوید: آمین، مریض است. مثل بقیه آمین بگو. یعنی هرکس هر کلمه‌ای بگوید، از ساختن و زنگ موبایل گرفته تا ریش و عمامه و فکل و کفش و بند کفش، اگر کسی حرکتی بکند که نمود، یعنی با باقی‌ها فرق کند، در عروسی یا عزا، همه گریه می‌کنند، من کاشان بودم یک جایی روضه رفتم. پیرمردی طوری گریه می‌کرد که چهل سال است صدای گریه‌ی این از ذهن من بیرون نمی‌رود. اشک نبود همینطور... هو هوم.. هو هوم (خنده حضار) چهل سال است این گریه در سر من است و این لباس شهرت است. عوض اینکه مردم متوجه خدا شوند متوجه این شوند.

یک مشکلی روحی و روانی است که می‌خواهد مطرح شود. صلواتی بفرستید. (صلوات حضار)

یک کسی اگر گفتم: تبلیغ کنید یعنی تبلیغ تن به تن، در قرآن یک تبلیغ بین المللی داریم آیه اش این است. «یا ایها الناس» ناس همه مردم است. «یا ایها الذین آمنوا» مؤمنین، امتی است. اما یک تبلیغ تن به تن هم داریم. «یا بنی»، «یا اُبت»، «یا بنی، یا اُبت» یعنی تبلیغ تن به تن و چهره به چهره، اثر تبلیغات دو نفری و پنج نفری عرض کردم به شرطی که خودت را بهتر از دیگران ندانی، وقتی در خانه هیچکس نیست لازم نیست چادر سر کنی، مدرسه همه مردم هستند، اگر در حوزه علمیه و مدرسه دخترانه همه مرد هستند... ببخشید همه خانم هستند، چه دلیل دارد چادر سیاه سر کنی؟ چادر سیاه برای خیابان خوب است. یکوقت دختر من آمده چیزی یاد بگیرد. رنگ لباس شاد باشد، «لَوْهَا تَسْرُ النَّاطِرِينَ» (بقره/ ۶۹) جلسات مذهبی، خانم و واعظ که سخنرانی می‌کند، لازم نیست سیاه پوش باشد، بابا اینجا که مرد نیست، چرا چادر سیاه سر کردی؟ بعد هم چه چیزی می‌خواهیم یاد بدهیم؟ ما نوه‌مان را فرستادیم، مهد قرآن، مهد کودک قرآن یاد بگیرد. وقتی آمد دیدم مربی، نمی‌دانم چه بگویم... مربی ناشی آیه‌ای را به دختر من یاد داده بود که مراجع تقلید هم شک دارم که حفظ هستند یا نه. «وَالْمُوقُودَةُ وَالْمُتَرَدِّیَةُ وَالتَّطِیْحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ» (مائده/ ۳) الآن اگر از ما پرسند مراجع ما آیه را حفظ هستند، می‌گوییم: نمی‌دانم. چون آیه هم بزرگ است و هم کلماتش نا مانوس است. به نوه چهار ساله من این را یاد داده بودند. یا مثلاً بچه‌ها را جمکران آورده بودند، پچه‌های نه ساله، مناجات عارفین می‌خواندند.

«الهی قلبی محزون نفسی معیوب» گفتند: برو بابا نخود کشمشت را بخور. ولش کن!

۴ - ریزش‌ها و رویش‌ها در دوران انقلاب:

برای بچه‌ها چطور بگوییم؟ امام زمان چطور می‌آید؟ نمونه‌اش را داریم. مردم چطور عوض می‌شوند، نمونه‌اش را داریم دهه فجر است.

می‌شود همه مفسدین نابود شوند، بله. چطوری؟ اینطوری، زمان حضرت نوح همه کفار لجوج غرق شدند، چون ۹۵۰ سال حضرت نوح تبلیغ کرد و هیچکس ایمان نیاورد. حضرت نوح گفت: خدایا، نسل اینها هم دیگر مؤمن نمی‌شوند. «وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاَجْرًا كَفَّارًا» (نوح/۲۷) یعنی نسل اینها، وقتی اینطور شد که دیگر زیر آب رفتند. چطور هلاک می‌شوند؟ همانطور که... چطوری؟ اینطوری نوح...

حالا من چطوری را می‌گویم و اینطوری را شما بگویید. وقتی می‌گویم: چطوری همه هلاک می‌شوند؟ چطوری حزب الله حاکم می‌شود؟ همینطور «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/۱۰۵) رفتیم در چطوری؟ اینطوری. می‌گوید: بعضی مسجدها را امام زمان خراب می‌کند؟ می‌گوییم: بله، مسجدهایی که براساس اخلاص نیست. مسجد محله ما، مسجد هیأت ما، مسجد حزب ما، مسجدهایی که... چطوری؟ مسجد ضرار، در قرآن آیه‌ای داریم می‌گوید: عده‌ای مسجد ساختند ولی هدفشان چهار چیز بود. ضرار، یعنی ضرر به بشر برسانند. تفریق، «تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ» بین مسلمین تفرقه بیاندازند. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه/۱۰۷) کفر یعنی سرپوش، می‌خواستند خانه تیمی درست کنند به اسم مسجد، به پیغمبر گفتند: یا رسول الله بیایید مسجد را افتتاح کنید؟ فرمود: مگر مسجد نبود؟ مدینه مسجد بود، چرا مسجد ساختید؟ گفتند: راه دور است. هوا داغ است. گاهی باران می‌آید و گل و شل است. پیرزن هستند و پیرمرد هستند، مشکل است، ما ساختیم. حضرت فرمود: من در آستانه جنگ تبوک هستم. بروم و برگردم پاسخ می‌دهم. رفتند و برگشتند، گفتند: آقا بیایید افتتاح کنید که مسجد رسمی شود. حضرت فرمود: بیل و کلنگ را بردارید، رفتند مسجد را خراب کنند. آیا امام زمان هم مسجد را خراب می‌کند؟ بله، همینطور که پیغمبر مسجد را خراب کرد. چطوری؟ اینطوری.

۶ - پیوندهای مکتبی، مقدم بر پیوندهای خانوادگی:

وابستگان چه می‌شود؟ آفازاده‌ها، خانم زاده‌ها، وابستگان، آنها ملاک حق... اگر بد بود، خدا به نوح می‌گوید: پسر نوح با بدن بنشست، خاندان نبوتش گم شد. آیه‌اش این است که «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» (هود/۴۶) پسر تو هست ولی همفکر تو نیست، مرخص! شما در نماز نمی‌گویید: «السلام علی و علی ایرانی‌ها... السلام علی و علی سفید پوست‌ها، ترک‌ها و لرها و بلوچ‌ها» و علی عباد الله الصالحین، چشم انداز

عباد الله الصالحین می شود، دیگر از فکر و منطقه بیرون می آید. متأسفانه ما این فکرهای جزئی نمی گذارد بالاتر از خودمان فکر کنیم. وقتی افطاری می دهیم همه به خودمان افطار می دهیم، من به این آقا می دهیم و او به او، مثل دعای توسل شنیدی، می گوید: فاطمه و دختر فاطمه، فاطمه و پسر فاطمه، فاطمه و شوهر فاطمه، فاطمه و... مسئولین مملکتی هم خیلی هایشان اینطور هستند، وقتی می گویند: «و شاورهم» این هم را به رفیق هایش می زند، یعنی آنهایی که هم شاگردی بودند و هم درس بودند، بابا «هم» دیگران هم هستند. «و شاورهم» یعنی با همه مشورت کن. گاهی افرادی که بیرون گود هستند بهتر از آنهایی که در گود هستند، طرح و نظریه بدهند. چه کسی گفت: تو رئیس هستی؟ حالا رئیس شدی، چه کسی گفت: مشاور دیگر بشود؟ قدرتمندان هم زیر بار امام زمان می روند؟ بله، چطوری؟ قرآن می گوید: اینطوری، بلقیس، خانمی بود تاجدار، شاه بود، «و لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» (نمل / ۲۳) قرآن می گوید: یک تخت بزرگی داشت ولی هدهد این خانم را دید و آمد گزارش داد و با رد و بدل چند نامه این بلقیس خانم مسلمان شد. با یک نامه یک سطری، این را می گویند: نامه، نامه ای که یک سطر هم نمی شد، نامه این است «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَلَّا تَعْلَمُونَ عَلِيٌّ وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ» (نمل / ۳۰ و ۳۱) تمام. یک کلمه، بزرگان زیر بار می روند. نمونه دارد چطوری؟ بلقیس.

شما می گویند: امام زمان وقتی می آید که دنیا پر از ظلم شود، «بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا» پس بیاییم گناه کنیم دنیا پر شود. دنیا که پر شد، امام زمان بیاید، چرا معطل هستیم؟ کمک کنید. «بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (الطرائف / ج ۱ / ص ۱۷۷) نگفته «بعد ما ملئت ظلما» نگفته اگر دنیا پر از ظالم شود، گفته پر از ظلم شود. بین ظالم و ظلم فرق است. یکوقت می گویم: وقتی پنجره را باز می کنیم که اینجا پر از دود شود. این یک معنا دارد، کی پنجره را باز می کنی؟ وقتی اینجا پر از دود شود. یکوقت می گویم: وقتی پنجره را باز می کنیم که همه شما سیگار بکشید. یعنی همه شما دودکش شوید و تولید دود کنید. اگر بگوییم: وقتی امام زمان ظهور می کند که همه ظالم باشند، «بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا» یعنی همه ظالم باشند و سیگار بکشند و تولید دود کنند، بله پس بیاییم همه گناه کنیم که دنیا پر شود و امام بیاید. گفته: «بعد ظلم» ظلم لازم نیست همه... یک نفر مثل صدام پیدا می شود و یک کنده درخت در سالن می آورد و هیچکس هم سیگاری نیست اما یک نفر با همان کنده اینجا را پر از دود می کند. «بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا» یعنی باید پر از دود شود نه پر از دودکش، پر از دودکش نه، پر از دود. گرفتید چه گفتیم؟ شک دارم.

۷ - فهم قرآن و اسلام، نیازمند متخصص دین:

قرآن و فهمیدن اسلام مهم است. یکوقتی یک آقای دکتری کتاب اقتصاد نوشته بود زمان قبل از انقلاب، من کتاب ایشان را خواندم و بیست سی تا اشکال فنی گرفتم و به دکتر بهشتی دادم و گفتم: این دکتر کتاب اقتصاد نوشته و اینها اشکالهایش است. کتاب مرا گرفت دید و گفت: کتاب پیش من باشد. دیگر نفهمیدیم کتاب چه شد. یکی از حرفهایش این است که ایشان در کتاب اقتصاد نوشته بود: تاریخ اسکناس، اسکناس از زمان حضرت آدم بوده است. در زمان حضرت آدم اسکناس بوده است؟ چطوری؟ گفت: در سوره کهف یک ورق داریم که اصحاب کهف از خواب بیدار شدند، گرسنه بودند، یک ورق دادند و گفتند: این ورق را شهر ببر یک غذا بگیر بیاور. «فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ» (کهف/ ۱۹) این ورق را ببرید طعام بیاورید. کسی که می گوید: ورق را ببر، غذا بیاور، پیداست این ورق اسکناس بوده است. این یک مورد.

حضرت آدم و حوا هم وقتی گفتند: این غذا را نخور و خورد و لباس هایش ریخت، حضرت آدم با ورق «وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ» (اعراف/ ۲۲) با ورق بهشت خودش را پوشاند. پس ببینید اسکناس یعنی ورق بهادار، ورق بهادار تا زمان اصحاب کهف بوده است و قبل از اصحاب کهف هم زمان آدم و حوا که دیدند لخت شدند، با ورق بهشت. پس معلوم می شود تاریخ... گفتم: بابا یکی «وَرِق» است، یکی «وَرَق» است. «وَرِق» یعنی اسکناس بهادار، آن آدم «وَرَق» است، یعنی «ر» و «ر» شما... آمپول را اگر در رگ بزنی خوب می شود و در گوش بزنی درد می آید. سویچ ماشین دندان اینقدر باشد باز می شود و دندان کم و زیاد باشد قفل می شود. با این بن سوادها نمی شود کار کرد. عبدالعظیم حسنی دانشمند درجه یک بود، تازه اصول عقایدش را به امام دهم عرضه کرد و گفت: بین درست فهمیدم یا نه، خیلی وقتها در جلسات چیزهایی می گوید که ضد خیلی چیزها است. صلواتی بفرستید. (صلوات حضار)

پس «بعد ما ملئت ظلماً» یکی هم «وَرِق» به معنی اسکناس است «وَرِق» به معنی برگ درخت است. یکی دیگر از اینها می گفت که اصلاً اموال... کمونیستها بودند، می خواستند از قرآن استفاده کنند. گفتند: قرآن می گوید: «اموالکم» مال، مال شخصی نیست. بی خود ایشان مالک است، مال برای همه امت است. «اموالکم» ایشان هم جوابش را داد و گفت: خدا می گوید: «نساءکم» پس خانم شما هم برای همه است. مگر با «کُم و کَم» می شود مالیکت درآورد؟ هر جا کُم است یعنی برای همه؟ «مساکنکم» یعنی خانه شما برای همه هست؟ «اولادکم» یعنی بچه شما برای همه است؟ سه تا چیز خرده آدم را اذیت می کند. یکی خرده پول است. کیسهها سنگین است، همه ده هزار تومان نمی شود. خرده پول آدم را اذیت می کند، یکی هم خرده قرض است. نود نفر از آدم می خواهند. یکی هزار تومان، یکی پانصد تومان، یکی دو هزار تومان و یکی پنج هزار تومان،

همه دو میلیون نشده است ولی نود نفر از آدم می‌خواهند. خرده پول و خرده قرض و یکی خرده علم است. دو تا کلمه یاد می‌گیرد می‌گوید: نه، این خواستگار به درد من نمی‌خورد! من سطح یک هستم، من ادبیات خواندم. من لیسانس دارم و ایشان دیپلم است. حالا مثلاً، بعضی که ادعا دارند زندگی‌شان به هم می‌خورد. باد او را گرفته است. خبر جایی نیست.

علامه طباطبایی استاد مطهری‌ها از دنیا رفت، من رفتم نزد آیت الله ابراهیم امینی که یک خاطره بگو، شما چهل سال است با ایشان بودی، با کم و زیادش. گفت: یک روز عبایش را انداخته بود، علامه نشسته بود. من آمدم گفت: آقای امینی روی همین عبا بغل من بنشین. گفت: نه، دوست دارم. گفت: خواهش می‌کنم بگذار من... گفت: من دوست دارم. چهل سال فقه و فلسفه می‌پرد و روی عبا من بنشین می‌ماند. آنچه اثر گذار است بر خورده‌هاست و علم و اینها نیست. در جامعه ما همینطور است. الآن دبستانی‌ها احترامشان به معلم و پدر و مادر بیشتر است یا راهنمایی‌ها؟ کمک کنید... راهنمایی‌ها بیشتر است یا دبیرستانی‌ها؟ دبیرستانی‌ها بیشتر است یا دانشجویها؟ دانشجویهای سال اول بهتر است از سال دومی‌ها، سال دومی‌ها بهتر از سال سومی‌هاست. آدم دانشگاه می‌رود، بعد می‌گوییم: سال اولی‌ها دست بلند کنید، دوپست نفر دست بلند کنند، سال دومی‌ها می‌گوییم ۱۵۰ تا می‌شود. سال آخر می‌شود، پنج نفر است. یعنی هرچه باسوادتر می‌شویم فاصله ما کمتر است. این علم‌ها حجاب است. نور هم علم است و هم حجاب است. اگر هرچه باسوادتر شدید و احترام شما و سلام شما به پدر و مادر و استاد، مردمی‌تر شدید، این علم مفید است و گرنه خیال کنید که مثلاً حالا... حالا بگذریم که درس‌هایی که می‌خوانید هم من نظر دارم و نظرم را به بزرگترهایتان گفتم. حوزه علمیه خواهرها کدش فرق می‌کند، مثل پارچه عمامه است، پارچه عمامه با فاستونی فرق دارد. نباید هرچه مردم می‌خوانند شما هم بخوانید. شما اگر پوستین را بندرعباس ببری مشتری ندارد. بله پوستین لباس قیمتی هست، ولی به درد همدان آن هم زمستان، بندرعباس تابستان کسی پوستین مصرف نمی‌کند. خیلی درس‌هایی که در دانشگاه و آموزش و پرورش و حوزه علمیه هست، خیلی درس‌ها مثل فروختن پوستین در بندرعباس است. یک مثل بزمن در ذهن شما بیاند. پوستین در بندرعباس یا بوشهر. رفتیم بوشهر گفتیم: هوای بوشهر چطور است؟ گفتند: سالی سه ماه تابستان است. گفتیم: نه ماهش؟ گفت: نه ماهش جهنم است. پوستین بوشهر فروش ندارد. ادا در نیاوریم، خیلی از چیزهایی که می‌خوانید علم نیست. تغییر اصطلاح است. اصطلاح را عوض می‌کنیم و فکر می‌کنیم... بصیر باشید، از استاد پرسید: این درسی که امروز دادید به چه درد می‌خورد؟ هرچه می‌خواهید بخوانید تا آخر عمر شعارتان باشد. یا باید واجب باشد یا باید مستحب باشد.

یا باید مشکل جامعه را حل کند یا باید مشکل یک نفر را حل کند. حتی بعضی از سؤالهای مذهبی چرت است. امام زمان علیه السلام زن و بچه دارد؟ واجب است بدانم؟ نه، جزء واجبات نیست. مستحب است بدانیم؟ نه مستحب هم نیست. مشکل جامعه ما خانم امام زمان است؟ نه، شخص شما با خانم امام زمان مسأله دارید؟ نه، ببینید سؤال شما نه واجب است، نه مستحب است، نه مشکل جامعه را حل می‌کند و نه شخص، برای چه می‌خواهید بررسی امام زمان زن و بچه دارد یا نه؟ بعد هم یک مشت مدعیان دروغگو پیدا می‌شوند که چند وقت پیش یکی بیت رهبری آمده بود و می‌گفت: به سید علی خامنه‌ای بگویید بیاید! گفتند: شما که هستید؟ گفت: امام زمان هستم ظهور کردم! هرچه گفتند: دنبال کارت برو! یک نفر آمد و گفت: چه می‌گویی؟ گفت: من امام زمان هستم ظهور کردم به سید علی خامنه‌ای بگویید بیاید. ایشان هم در گوش او زد! گفت: چرا زدی؟ گفت: من خدا هستم کی گفتم ظهور کنی؟ (خنده حضار)

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته